

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [خبرگزاری حقوق بشر ایران \(رهانا\)](#)]

[تاریخ: ۶ مهر ۱۳۹۰]

دیگر ترویج فضائل انسانی نیز جرم است! نامه ی عنایت الله سنائی به رئیس قوه قضاییه

هشتمین نامه عنایت الله سنائی در دفاع از اتهامات همسرش، طره نفی زاده، که بعلت اعتقاد به آئین بهائی، بیش از هشت ماه است که در زندان ساری محبوس می باشد.

رئیس محترم قوه قضائیه آیت الله صادق لاریجانی

مقدمتاً باید عرض کنم چنانچه هفت نامه قبلی این جانب مورد ملاحظه و عنایت آن جناب قرار گرفته باشد، با اِمعان نظر به مجموعه دلایل و اسناد و مدارکی که در آن نامه ها بدان اشاره گردیده است اذعان خواهید فرمود که همسر بنده و بالتبع همه بهائینی که در سال های اخیر به اتهامی واهی یعنی ” تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ” روانه زندان ها شده اند بی گناه بوده و این بگیر و ببندها کلاً ناشی از سوء تفاهات، بدبینی ها و تعصبات دینی و عقیدتی از جانب گروه اندکی از مسئولین محترم در دوائر اطلاعاتی و قضائی می باشد. البته همانطور که در یکی از نامه های قبلی ذکر شد بعضی از مأمورین و مسئولین محترم، زمانی که پس از شنیدن سخنان و دفاعیات بهائیان متهم، نسبت به بی اساس بودن چنین اتهامی، آگاهی کامل حاصل می نمایند در نهایت – به دلایلی که ذکر آن در اینجا جایز نیست – می گویند که ” ما مأمور هستیم و معذور “. در واقع این دوستان به صراحت اظهار می دارند که ما مجبور به اطاعت از فرامین مافوق خود می باشیم ولو اینکه برخلاف قانون اساسی و تعلیمات اسلامی باشد. در صورتی که بارها این بیان حضرت علی (ع) را به آنها یادآوری نموده ایم که به مالک اشتر تأکید می فرمایند که: ” هر آن امری که از مافوق می شنوی، با امر خدای بستیج. چنانچه خداوند ترا از آن عمل نهی می کند، زنهار فرمان خالق را در راه هوس مخلوق، قربان مکن.”

و بنده از آنجا که در نامه دوم مفصلاً راجع به این قضیه صحبت داشته ام در اینجا دیگر معترض چنین مسائلی نمی شوم، زیرا هدف از ارسال این نامه دفاع در مقابل اتهامات دیگری است که بعضی از افراد مسئول در دوائر اطلاعاتی و قضائی بر بهائیان و از جمله همسرم وارد آورده و می نمایند. ولی آیا می توان اقدام به اعمال پسندیده ذیل را جرم تلقی نمود:

۱: تعلیم اخلاق در کلاس های درس اخلاق

۲: عضویت در هیئت تربیت

۳: عضویت در هیئت علوم و فنون

۴: عضویت در هیئت خادمین شهر ساری

و اما در مورد اتهام اول آنچه که قابل فهم و هضم نیست این حقیقت است که آخر چه دلیل عقلی، قانونی و شرعی وجود دارد که بتوان شخصی را به خاطر تعلیم اخلاق (به اطفال و نوجوانان و جوانان) مجرم دانسته و به حبس محکوم نمود؟!]

آیا قاضی محترم پرونده توانسته اند سندی ارائه دهند که همسرم و یا بهائیان دیگری که در این سامان به حکم ایشان محکوم به حبس و حتی بعضی تبعید به مناطق محروم دیگر شده اند، در این کلاس ها و هیئت های فوق الذکر سخن

از مخالفت با اسلام یا نظام رانده باشند؟ – آن هم نظامی که بسیاری از بهائیان را در مدت سی و سه سال حکومتش به انواع مصائب و بلاها مبتلا نموده است، چنانچه حق آزادی بیان را سلب، تحصیل در دانشگاه ها و کار در ادارات و وزارتخانه ها را منع و حقوق بازنشستگی را قطع نموده است. و همچنین است که بسیاری از روستائیان بهائی در همین دوران از محل سکونتشان رانده شده و به جرم بهائی بودن، خانه هایشان ویران و اموالشان به غارت رفت. حتی در سال های اخیر، حداقل حقوق شهروندی که در قانونی اساسی (نظیر اصل نوزده و بیست) مقرر شده را از افراد این جامعه دریغ داشتند. به اضافه شهادت نزدیک به سیصد نفر از بهائیان در دهه اول انقلاب. حبس صدها نفر بی گناه به اتهامات واهی و تهمت های ناورا.

بر سر اصل مطلب می رویم و برای روشن شدن موضوع، اجازه می خواهم که بدو به دو نمونه دیگر از احکام صادره در مورد اتهامات مذکور که برای چند تن از مریبان، در دو شهر شیراز و قائم شهر رقم خورده است اشاره ای مختصر نموده و در پایان سخن، آنجناب و دیگر مسئولین محترم را بار دیگر دعوت به قضاوت منصفانه و علی وار نمایم.

مورد اول: چهار سال حبس به خاطر خدمات فرهنگی و اجتماعی

آری مورد اول داستان خدمات آموزشی و فرهنگی سه تن از جوانان بهائی شیراز (بنامهای هاله روحی، رها ثابت و ساسان تقوا) در محله ای به نام مهدی آباد می باشد که در نهایت، منجر به دستگیری و سپس محکومیتشان به چهار سال حبس تعزیری گردید. ولی در پرونده این جوانان خنوم و مریبان علم و اخلاق یک نامه ی تاریخی از طرف "بازپرس و مشاور حقوقی دفتر مقام رهبری" ضمیمه شده است که صدق ادعای ما را ثابت می نماید: بازپرس محترم (آقای رستمی) در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ چنین گزارش می دهند:

"پس از استماع اظهارات متهمین و اولیاء آنان و مطالعه پرونده ارائه شده، به محله مهدی آباد عزیمت نمودم و به یکی از ساکنین محله که خود را سرهنگ باز نشسته "ناجا" بنام آقای جدی معرفی می نمود مراجعه و پس از سوالات مطرح شده در خصوص نحوه فعالیت و اهداف این گروه چنین اظهار نظر نمودند: این افراد از آغاز فعالیت تا کنون با هدف خیر اندیشی و خدمت انسان دوستانه به نوجوانان و جوانان، هفته ای یک مرتبه کلاس داشتند و بیشتر کلاس ها جنبه نقاشی و آموزش خط و بهداشتی و اخلاقی داشت و هیچگونه اظهار نظری در خصوص مسایل دینی و سیاسی نداشتند و هیچ وقت از بهائیت نه اسمی و نه عنوانی مطرح نکردند از نحوه آموزش و حضور در بین نوجوانان و جوانان این محله اظهار رضایت می کردند و معتقد بودند از زمان حضور این افراد در محله مهدی آباد روش آداب و معاشرت و اخلاق اجتماعی جوانان تغییر مثبت داشته بگونه ای که باعث دلگرمی خانواده ها و امیدواری نسبت به آینده فرزندان از نظر تربیتی گردیده بودند. با تعداد ۸ نفر از جوانان و نوجوانان شرکت کننده در این کلاس ها نیز مذاکره و پس از سوالاتی، اعلام داشتند این گروه مشغول امورات تربیتی و عموماً کلاس ها جنبه نقاشی – خطاطی و اخلاقی و معاشرتی داشته و هیچگونه بحث سیاسی و اظهار نظر (بر) خلاف موازین شرعی و قانونی و فرهنگی نداشتند و ما جوانان و نوجوانان انصافاً از حضور این افراد و گروه بهره کافی بردیم و تقاضای حضور مجدد آنها را داریم".

ولکن بدبینی ها و تعصبات دینی بعضی از مسئولین محترم منجر گردید کوچکترین توجه ای به چنین گزارش شفاف نشود بلکه جناب رستمی مجبور می شوند که در نامه دیگری اظهار نمایند که گزارش اول نه "بررسی دقیق" بلکه شمه ای از تحقیقات اولیه بود!

مورد دوم: جرم خانم پگاه سنائی: ترویج فضائل خوب انسانی

در دادنامه به شماره ۸۸۰۹۹۷۰۵۱۲۵۰۰۱۷۵ مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ که از طرف قاضی محترم دادگاه انقلاب شهرستان ساری (شعبه اول) صادر شد، مهمترین جرم خانم پگاه سنائی "تعلیم فضیلت های خوب" درج گردید که به همین دلیل به یک سال حبس تعزیری و یا در ازای آن به پرداخت ده میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند (۱). اصل قضیه – آنطوری که مشارکین بیان داشته- این بود که ایشان در محل سکونتشان (قائم شهر) برای چند تن از کودکان بهائی کلاس اطفال (جهت تعلیم فضائل اخلاقی) تشکیل داده بودند، که ظاهراً دو تن از کودکان مسلمان همسایه به درخواست یا اجازه والدینشان – آنهم دو یا سه بار – در کلاس مذکور شرکت نمودند. لازم به ذکر است که در این جلسات راجع به مسائلی نظیر: "احترام و اطاعت از والدین، راستگویی و صداقت و اینکه نباید زبان را به گفتار

زشت و کلمات رکبیک آلوده کرد سخن گفته شد که به تأیید والدین کودکان، این موضوعات که از طریق: نقاشی، شعر و بازی تعلیم داده می شد در تغییر و تبدیل اخلاق کودکان شرکت کننده در همین مدت کم مؤثر بوده و تجربه نشان می دهد که در اکثر کشورها در صورت ادامه تشکیل چنین کلاسهای، اشخاص شرکت کننده و تعلیم یافته در دوران جوانی و بزرگ سالگی از افکار و اعمال نیکو و متعادل برخوردار بوده و از ارتکاب به جرم ها و بزه کاری های معمول در جوامع بشری بسیار دور خواهند ماند. چنانچه حتی اگر مسئولین محترم در کشور عزیزمان نیز بخواهند از تمام زندانهای ایران استعلام بگیرند بعید به نظر می رسد که حتی دو نفر از افراد بهائی، استغفرالله به جرم دزدی، اعتیاد، ضرب و شتم، قتل، قاچاق مواد مخدر، آدم ربائی و اسیدپاشی و از این قبیل جرائم، زندانی شده باشند جز اینکه بالمره از تعلیمات اخلاقی بهائی دور و مهجور مانده باشند. و آنچه که می توان به یقین کامل ذکر نمود این حقیقت است که تمام بهائیان صرفاً به خاطر انتسابشان به آئین بهائی در معرض انواع و اقسام ظلم ها و بیعدالتی ها قرار گرفته اند.

و نیز لازم به ذکر است که در سالهای اخیر بسیاری از بهائیان به خاطر اتهاماتی که ذیلاً به چند نمونه آن اشاره می گردد محکوم به حبس و زندان شده اند:

-بلیغ باروها و آموزه های دینی (که در سه نامه اخیر مفصلاً در پیرامونشان سخن رفته است)

-دفاع از حقوق زنان

-دفاع از حق تحصیل دانشجویان بهائی و غیر بهائی

-بخاطر خدماتی نظیر حمایت از کودکان کار

-دفاع از زندانیان عقیدتی- سیاسی

-اجرای احکام بهائی نظیر: گرفتن ضیافت و انعقاد کلاسهای دروس اخلاق و نظائر آن

-دفاع از حقوق شهروندی و مدنی ایرانیان (بهائی و غیر بهائی)

که مسلماً هیچیک از آنها نه تنها از نظر شرع و قانون جرم محسوب نمی شود بلکه در ردیف مهمترین وظایف و مسئولیتهای هر فرد انسان آزاده قرار داشته و دارد.

از مطلب دور شدیم، "اگر چه همه ذکر مطلب است" و بیان حقایق و واقعیت ها. اما درباره موضوع مورد بحث یعنی "مربیگری در کلاس اخلاق" باید عرض کنم که از افتخارات هر فرد بهائی، یکی این است که بتواند در راستای تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان و نیز جوانان بهائی، گامی مؤثر و سازنده بردارد زیرا در آئین بهائی تعلیم علم و اخلاق از اشراف امور و از مواهب ربّ غفور محسوب می شود. ولی آنچه که مورد حیرت بهائیان و نیز مایه تعجب هر فرد منصف و آگاه به تعلیم اخلاقی بهائی می شود این است که بشنود چنین عمل نیکی در گوشه ای از جهان پهناور (یعنی ایران) جرم تلقی شده و مربیان اخلاق مشمول مجازات شوند! البته در جواب اعتراض ما به این عمل، بعضی از مسئولین محترم دلیلی ذکر می کنند که غیر منطقی و بی اساس بودن آن بر هر فرد آگاهی واضح و آشکار بوده و هست. این گروه به طور کلی یا به علت عدم شناخت از تعلیم بهائی و یا بدلیل بغض و تعصب نسبت به بهائیان، اعلام می دارند که چون بهائیت یک فرقه ضالّه و گمراه است پس تعلیماتش گمراه کننده است لذا انتشار آن میان مردم جرم محسوب می شود. لذا در اینجا بر آن شدم که اجباراً به جهت رد چنین دلیل بی اساس و عوام پسندانه ای، به درج شمه ای از تعلیم اخلاقی پیشوایان این آئین مبادرت نموده و قضاوت را بر عهده آن جناب و اهل انصاف و منطق گذارم.

شمه ای از احکام و تعلیم اخلاقی و اجتماعی آئین بهائی

۱- "اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده".

۲- "صدق و راستی، اساس جمیع فضائل انسانی است... اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد".

۳- "گونا فی الطرف غفیفاً و فی الید آمیناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً".

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: در نگاه پرهیزکار باشید، در دست امین، در زبان راستگو و در قلب متذکر)

۴- «عموم اهل عالم باید از ضُر دست و زبان شما آسوده باشند».

۵- «لسان شَفَقَتِ جَدَابِ قُلُوبِ اسْتِ و مانده روح و بمثابه معانیست از برای أَلْفَاظِ و مانند آفَقِ اسْتِ از برای اشراقِ آفتابِ حِکْمَتِ و دانائی».

۶- «ای احبای الهی در این دور مقدّس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدّی محروم».

۷- «به اظهار دوستی و محبت که فقط با أَلْفَاظِ باشد قانع نشوید، قلبتان را با محبت خالصانه نسبت به تمام افرادی که در راهتان میگذرند مِشْتَعِلِ سازید».

۸- «فکر جنگ را با فکر قویتر صلح مقاومت کنید. فکر نفرت را با فکر قویتر عشق مقابله نمایید».

۹ - «غیبت، سراج مُنیرِ قلب را خاموش نماید و حیاتِ دل را بمیراند».

۱۰ - «قسمتهائی از نماز آنین بهائی

«الهی الهی لا تَنْظُرْ إِلَى آمَالِي و أَعْمَالِي بَلْ إِلَى إِرَادَتِكِ الَّتِي أَحَاطَتْ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضَ. و اسْمِكَ الْأَعْظَمِ يَا مَلِكِ الْأَمَمِ مَا أَرَدْتُ إِلَّا مَا أَرَدْتَهُ و لَا أُحِبُّ إِلَّا مَا تُحِبُّ».

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: خداوندا به آرزوها و اعمال من منگر بلکه به اراده خود که بر زمین و آسمان احاطه دارد نظر نما. قسم به اسم اعظم تو، اراده ای جز اراده تو ندارم و دوست ندارم جز آنچه تو دوست داری.)

«أَي رَبِّ فَأَجْعَلْ صَلَاتِي كَوَثْرَ الْحَيَوَانِ لِيَبْقَى بِه ذاتي بِدَوَامِ سُلْطَنَتِكَ و يَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنْ عَوَالِمِكَ».

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: پروردگارا نمازم را سرچشمه زندگانی بفرما تا وجود من بدوام سلطنتت بقا یابد و در جمیع عوالم تو به ذکر ت پردازم.)

حال آن جناب خود قضاوت بفرمایند آیا آموزش چنین تعالیمی می تواند جرم تلقی شود؟ اگر اینطور باشد پس جمیع پیامبران قبل و پیروانشان باید مجرم تصور شوند زیرا هر یک از انبیاء کم و بیش به اقتضای زمان و مکان، به بیان چنین تعالیمی اشاراتی صریح داشته اند.

و اما آنچه راجع به مربیگری در کلاسهای دروس اخلاق ذکر گردید می تواند جوابی برای سه اتهام دیگر همسر م یعنی «عضویت در هیئت تربیت» و «علوم و فنون» و «هیئت خادمین» نیز باشد. زیرا هیچ فرد بهائی در ظلّ چنین تعلیماتی نمی تواند با عضویت در این هیئت ها، اقداماتی بر علیه نظام و یا سیستم حکومتی انجام دهد. چه که اساس این امر بر محبت و اتحاد و وحدت میان همه ی انبیا بشر است و افراد بهائی همانطور که عملاً ثابت نموده اند در مقابل ظلمهای وارده از جانب مخالفان، جز از طریق تظلم و دادخواهی به هیچ امر خشونت آمیزی دست نزده و نخواهند زد.

در ضمن هر یک از هیئت های فوق که قبلاً به نام محفل و لجنه نامیده می شدند دارای نظامنامه های مخصوص به خود می باشند که وظایف اعضای آن، به طور مشروح در آن درج گردیده که این نظامنامه ها قطعاً از اول انقلاب تا کنون، بارها در اختیار اکثر مسئولین اطلاعاتی و قضائی قرار گرفته است و چنانچه موردی خلاف شرع و قانون و یا مطلبی دال بر «تبلیغ علیه نظام» در آن درج گردیده بود یقیناً در سطح وسیع، آن مدارک را به سمع و نظر مردم ایران و جهان می رساندند تا وسیله ای باشد برای توجیه ظلم های وارد شده بر بهائیان.

در پایان چنانچه خلاقی در گفته ها و ادعای بنده از جانب هر مسئولی در دست است بنده حاضر به جوابگویی بوده و هستم.

با آرزوی احقاق حقوق مسلوبه بهائیان

پی نوشت:

خوشبختانه به کوششی که توسط وکیل خانم پگاه سنائی در این مورد به عمل آمد در دادگاه تجدید نظر حکم صادره شکسته شده و مشارکاً لیها، تنها به هفت هزار تومان جریمه نقدی محکوم شدند که ما از همین جا از قضات محترم دادگاه انقلاب تجدید نظر ساری، مراتب تشکر و قدردانی خویش را به دلیل رعایت عدالت اعلام می داریم.

خداوند یارشان باد

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]